



● آن شب اتفاق خاصی گزارش نشد؟

نه هیچ اتفاقی گزارش نشد. من احساسم این است که شاید اطلاع‌رسانی و گفت‌وگوهای قبلی و در نتیجه بالا رفتن پذیرش اجتماعی و اعلام دیر هنگام این موضوع در آن شب و مهم‌تر از همه، شارژ سهمیه جدید بنزین مردم، دو دلیلی بود که باعث شد تا آن شب بسیار آرام و بدون کوچکترین اتفاقی سحر شود. از آنجا که سهمیه مردم شارژ شده بود، عجله، معنایی نداشت. شما اگر هم بخواهید بنزین بزنید از سهمیه خودتان می‌زنید، با این تدابیر جلوی شلوغی و تراکم در پمپ بنزین‌ها، به نوعی گرفته شد. اما در زمان سهمیه‌بندی بنزین به یاد دارم، داشتیم از رستوران به همراه مهمانانی که از شهرستان برایم آمده بودند بیرون می‌آمدیم، حول و حوش خیابان شریعتی بود که دیدم عده زیادی از مردم به سمت در پمپ بنزین صف کشیده‌اند. ترافیک خیلی شدید و صف‌های طولانی در کنار پمپ بنزین‌ها مشهود بود. به چشم خود دیدم که از یک ماشین گران‌قیمت فردی با یک آفتابه بیرون آمد تا چند لیتر بنزین بگیرد. البته چیزهای دیگری هم دیدم که بماند.

اجازه بدهید خاطره جالبی از آقای احمدی مقدم فرمانده وقت نیروی انتظامی نقل قول کنم. وی در سالگرد هدفمندی می‌گفت: در زمان اجرای هدفمندی ما نگران بودیم در مناطقی مانند دشت شادگان که گرمسیر است و احتمال افزایش هزینه‌های برق و آب آنها زیاد است با اجرای هدفمندی تحرکات و مخالفت‌هایی در این مناطق دیده شود. لذا با نیروی انتظامی آنجا تماس گرفتم و وضعیت امنیت و رفتار مردم را جویا شدم. همکاران بنده در دشت شادگان از پشت تلفن گفتند: «اینجا نه تنها مشکلی وجود ندارد، بلکه یک جشن در حال برپایی است. همه مردم یا یارانه نقدی خود را برداشته‌اند و یا در حال برداشت هستند و همگی راضی و خوشحال به نظر می‌رسند.»

● فکر می‌کردید بتوانید این قدر

بدون اشکال و بهتر است بگویم به این سادگی این طرح را اجرا کنید؟ حقیقتش را بخواهید نه. من خودم سه هوسفند برای اجرای هدفمندی نذر کرده بودم، چون هر کاری از دست مان برمی‌آمد انجام داده بودیم. تا شورش با اقتصاددانان برجسته تا کارآفرینان و کارشناسان اقتصادی و...

اما با این حال با مجموعه این کارها و اقدامات باز توکل و توسل داشتیم. آقای احمدی‌نژاد عبارت دالگرم‌کننده‌ای در جلسات می‌گفت: «اگر باور دارید این کار در جهت عدالت است. عدالت محبوب پروردگار است و اگر در این جهت حرکت می‌کنید نگران نباشید.» البته نگرانی بنده از جنس دغدغه بود و گرنه یک یقین و اعتمادی در همه اعضای دولت برای انجام این طرح وجود داشت.

● یکی از نگرانی‌هایی که دولت

و کارشناسان اقتصادی درباره تبعات منفی اجرای هدفمندی داشتند، ترس از اعتراض راننده تاکسی‌ها و اتحادیه‌ها و اصناف مربوط به تاکسی‌داران بود. بعد از اجرای هدفمندی، آیا این صنف حرکت اعتراضی نسبت به دولت ابراز نکرد؟

نه اصلاً. اتفاقاً خیلی هم همکاری کردند. در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، هیچ کس نمی‌تواند سهم منحصر به فرد آقای احمدی‌نژاد را نادیده بگیرد یا بگوید من مجری این طرح بودم. همان روحیات ایشان که برخی‌ها از آن انتقاد می‌کنند باعث شد این کار جلو برود. وی به مشکل حل شده بود.



یکی دو ساعت قبل از آغاز برنامه‌ای که آقای

احمدی‌نژاد در ساعت ۱۱

شب به تلویزیون آمد ما

از آغاز هدفمندی مطلع

شدیم. البته به صورت

محرمانه با مقامات

مسئول هماهنگ

شده بود، چرا که باید

قیمت‌ها اعلام شده و

حساب‌های بانکی را

باز می‌کردیم. وقتی که

قیمت جدید حامل‌ها

اعلام شد به یاد دارم

تا ساعت ۲ صبح، به

همراه محافظان و راننده

به پمپ بنزین‌های

مختلف تهران سرکشی

می‌کردم تا ببینم آیا

مشکلی وجود دارد یا

نه؟ مثلاً به محافظم

می‌گفتم برو پمپ چه

خبر است؟ همه چیز

آرام است؟... ساعت

یک شب مسأله‌ای

پیش آمد، فکر می‌کنم

موضوع، اشکال تبدیل

نرخ در جایگاه‌ها بود

که با آقای احمدی‌نژاد

تماس گرفتم و گفتم:

«فلان اتفاق افتاده و در

حین سرکشی به پمپ

بنزین‌ها متوجه چنین

موضوعی شده‌ام.»

ایشان هم گفت: «بله،

مطلع شدم، الان مسأله

حل می‌شود.» یادم

هست وقتی به پمپ

بنزین بعدی رسیدیم

این مشکل حل شده بود



درآمد حاصل از هدفمندی را بازتوزیع کردیم

آنهایی که می‌گویند هدفمندی را باید بدون پرداخت یارانه نقدی به مردم انجام دهیم و منابع حاصله را صرف فعالیت‌های عمرانی کنیم، این روش هدفمندی نیست، بلکه همان بسته تعدیل اقتصادی و حذف یارانه‌هاست. اگر شما هدفمندی را در چهارچوب اقتصادی تحلیل کنید و تحلیل‌های صرفاً حسابداری و نقدینگی را کنار بگذارید، به هر حال همین که شما درآمد‌های حاصل را بازتوزیع کرده‌اید و در کنار آن نیازی به واردات ۵ میلیارد دلاری بنزین ندارید، این خودش یک منفعت خالص اقتصادی است. هدفمندی یک فهم و حس است. ما سعی کردیم مسائل را حس کنیم و بفهمیم. نباید کسی مانند من که در ماه به عنوان وزیر، چند میلیون تومان درآمد دارم با درک و تحلیل از زندگی خودم و اولویت‌بندی در زندگی و حتی مسئولیت خودم از مردم بخواهم همانند من فکر یا رفتار کنند.

بش

مسئولیت خودم از مردم بخواهم همانند من فکر یا رفتار کنند. یک اقتصاددان آفریقایی می‌گوید: «فقر مانند درجه دما است. شما دما را نمی‌توانید ببینید بلکه باید آن را حس کنید.» کسی که به‌راحتی از حذف دهک‌ها صحبت می‌کند باید بداند و حس کند که اگر در این مرحله اشتباهی رخ دهد چه کسی را، از چه حقی محروم و به چه وضعی دچار می‌سازد. کسانی که در قالب برنامه‌های تعدیل، حذف یارانه‌ها را اجرا کردند نتیجه‌ای جز آشوب در کشورشان ایجاد نشد.

● آیا در اثنا اجرای هدفمندی،

شاهد اختلال در شبکه بانکی

هم بودید؟

نه، البته ترافیک شبکه بانکی خیلی بالا رفت، اما هرگز اختلال ایجاد نشد. حالا که صحبت از بانک کردید اجازه بدهید خاطره‌ای در این زمینه برایتان بازگو کنم. یکبار به بنده گزارش دادند که رئیس شعبه یکی از بانک‌ها، به دلیل بدهکاری یک مشتری به بانک، از پرداخت یکی یارانه آن فرد امتناع می‌کند. بنده وقتی از این ماجرا مطلع شدم تا مرز عزل آن رئیس شعبه هم پیش رفتم. نهایتاً با اصلاح این امر و عذرخواهی آن رئیس بانک، مسأله حل شد. ما به مردم قول داده بودیم که از این اطلاعات و یارانه شما نه تنها سوءاستفاده نخواهیم کرد، بلکه در جهت دلخواه خودمان نیز استفاده‌ای صورت نخواهیم داد. به

نظرم این پیام به جامعه مخابره شد. برای همین اگر یک زمان آدمی از جنس آقای احمدی‌نژاد مدعی شود و بگوید: قیمت بنزین به نرخ FOB عرضه خواهد شد، اما مابه‌التفاوت آن به مردم پرداخت می‌شود، همه این صحبت را قبول می‌کنند و این اعتماد ارزش بسیاری دارد.

● آماری از برداشت نقدی

خانوارها از بانک‌ها در هفته اول

اجرای هدفمندی دارید؟

ماهانه حدود ۳ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان به صورت نقدی به حساب خانوارهای ایرانی واریز شد. فکر می‌کنم در هفته اول با اینکه تب یارانه نقدی خیلی داغ بود، ولی حدود ۸۰-۷۰ درصد از پول یارانه‌ای مردم در حساب‌ها ماند. از سوی دیگر بانک‌ها هم برای ماندن آن همه پول، با یکدیگر رقابت می‌کردند. لابی‌هایی صورت می‌گرفت که بانک‌ها با ستاد هدفمندی قرارداد ببندند. اگر این در حساب بانک‌ها نمی‌ماند و همه آن توسط مردم خارج می‌شد، هیچ وقت بانک‌ها سراغ این کار نمی‌رفتند. ضمن اینکه باید این نکته را نیز در نظر داشت که هدفمندی در ایجاد توازن منطقه‌ای بسیار مؤثر بود. بالاخره طبق محاسبات، چیزی حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان در هر سال میان مردم بازتوزیع شد. این توزیع به گونه‌ای بود که این مبالغ به دست افراد ساکن در دورافتاده‌ترین روستاها نیز می‌رسید و این وجوه در همان روستا یا شهرستان کوچک به گردش درمی‌آمد و چون در همان‌جا مصرف می‌شد اقتصاد آن منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد و به گردش درمی‌آورد.

عنوان فردی که قبلاً در شهرداری حضور داشت و از طبقه پایین جامعه رشد کرده، سعی می‌کرد خودش را در معرض اطلاعات موثق و مؤثرتر قرار دهد. احمدی‌نژاد برای صحبت با راننده‌ها نیز وقت گذاشت و از آنها خواست تا به دولت کمک کنند. همین نگاه او که برای موفقیت یک طرح ملی با همه اقشار حتی با راننده‌ها نیز به گفت‌وگو می‌نشیند نشان دهنده این واقعیت است که وی بدنه جامعه را مؤثر دانسته و خود را در مقابل آنها مسئول می‌داند. لذا انصافاً تلاش‌های احمدی‌نژاد یکی از دلایل همکاری رانندگان، تاکسی‌داران و... در این زمینه بود.

به هر حال از فرادای هدفمندی، کرایه تاکسی‌ها افزایش یافت. به عنوان مثال خود من همیشه از میدان راه‌آهن تا میدان ولی عصر هزار تومان کرایه می‌دادم اما از فرادای هدفمندی، این کرایه ۱۳۰۰ تومان شد. نکته جالب این است که هیچ اعتراضی برای این گران شدن صورت نگرفت و همه چیز عادی و طبق روال گذشته پیش رفت.

برای اینکه تاکسی‌ها، کرایه‌ها را ۳ هزار یا ۵ هزار تومان نکردند. زمانی که من در سازمان برنامه و بودجه بودم، وقتی قیمت بنزین ۲۰ درصد افزایش می‌یافت، کرایه‌ها، گاهی دو برابر می‌شد، اما در اینجا علاوه بر پرداخت یارانه نقدی به مردم، افزایش قیمت کرایه‌ها نیز معقول بود.

● تاکسی‌داران را توجیه کرده

بودید؟ یا...

بله با فعالان صنف حمل و نقل جلسه و همایش داشتیم. ضمن اینکه من برداشتم این است که مردم پذیرفته بودند طرح هدفمندی باید اجرا شود. همه مردم باور داشتند که دولت در اجرای این طرح کیسه‌ای برای خودش ندوخته است. در بحث هدفمندی دو نگاه وجود دارد، یکی هدفمند کردن یارانه‌ها که اصل ماجراست و دیگری حذف یارانه‌ها که هیچ نسبتی با هدفمندی ندارد. در هدفمندی بنا این است که دولت، یارانه را به مردم به روش بهتری پرداخت کند. ولی حذف یارانه‌ها یعنی دولت مردم را توجیه کند که دلیلی برای پرداخت یارانه وجود ندارد و دولت به جای پرداخت یارانه، به فرض در کشور جاده، راه و... می‌سازد.

آنهایی که می‌گویند هدفمندی را باید بدون پرداخت یارانه نقدی به مردم انجام دهیم و منابع حاصله را صرف فعالیت‌های عمرانی کنیم، این روش هدفمندی نیست، بلکه همان بسته تعدیل اقتصادی و حذف یارانه‌هاست. اگر شما هدفمندی را در چهارچوب اقتصادی تحلیل کنید و تحلیل‌های صرفاً حسابداری و نقدینگی را کنار بگذارید، به هر حال همین که شما درآمد‌های حاصل را بازتوزیع کرده‌اید و در کنار آن نیازی به واردات ۵ میلیارد دلاری بنزین ندارید، این خودش یک منفعت خالص اقتصادی است. هدفمندی یک فهم و حس است. ما سعی کردیم مسائل را حس کنیم و بفهمیم. نباید کسی مانند من که در ماه به عنوان وزیر، چند میلیون تومان درآمد دارم با درک و تحلیل از زندگی خودم و اولویت‌بندی در زندگی و حتی

رغم مواضع نه چندان مثبتی که صندوق بین‌المللی پول در قبال ایران داشت، رئیس صندوق خانم «کریستن لاگارد» در اظهارنظری گفته بود: «این کاری که ایران انجام داده برنامه‌های است که می‌تواند برای کشورهای خاورمیانه و نفت‌خیز تبدیل به مدل شود.» ضمن اینکه این صحبت‌ها را مکتوب کرده و از ایران قدردانی کرد. حالا متأسفانه عده‌ای در دولت یازدهم خیلی تلاش کردند که این دستاورد نظام را نزد آنها مخدوش کنند. یادم هست در نشریات معتبر آمریکایی و بین‌المللی با این ادبیات که چند خیابان پایین‌تر از کاخ سفید که مواضعی علیه ایران گرفته می‌شود، صندوق بین‌المللی پول از انجام یک کار بزرگ و موفقیت‌آمیز اقتصادی در ایران تمجید می‌کند، مطلبی نوشته شد. ضمن اینکه بعد از اعلام این موضع از سوی صندوق بین‌المللی پول فشارها و لابی‌هایی برضد این موضع صورت گرفت. بنده اطلاع دارم که حتی در حین انجام مذاکرات هسته‌ای، مذاکره‌کننده ارشد قبلی ایران در جلسات به طرف مقابل

● اینکه آقای احمدی‌نژاد قرار

شد به تلویزیون برود و در ساعت

۱۲-۱۱ شب خبر اجرای هدفمندی

را به طور رسمی اعلام کند، ایده

چه کسی بود؟

در مورد زمان اجرای هدفمندی قرارمان با اعضای دولت این بود که فقط آقای احمدی‌نژاد زمان مقرر را بداند. ما همه کارها را آماده کرده بودیم و فقط قرار شد آقای



نگرانی هیلاری کلینتون از اجرای هدفمندی یارانه‌ها

مصاحبه مستندی از خانم هیلاری کلینتون می‌خواندم که وی ابراز نگرانی کرده بود که اگر ایرانی‌ها هدفمندی را اجرا کنند، یکی از اهرم‌های فشار غرب در خصوص تحریم فروش فرآورده‌های بنزین و نفت گاز از دست می‌رود یعنی هدفمندی در خارج از مرزها نیز مخالفتی داشت. به هر حال، اجرای هدفمندی مواهب استراتژیک بسیار مهمی به همراه داشت، اینکه شما از کشوری که در سال ۵ میلیارد دلار فرآورده وارد می‌کند به کشوری با ۵۰۰ میلیون دلار واردات فرآورده برسید یا از واردکننده برق به صادرکننده برق تبدیل شوید، اتفاق بسیار مهمی است.

بش